

# «دارها برچیده خون‌ها شسته‌اند»<sup>۱</sup> سه عکس از یک انقلاب شکست خورده

ساجد طیبی<sup>۲</sup>



به مناسبت ۱۷۵مین سالگرد قیام ژوئن پاریس



<sup>۱</sup> از شعری از مهدی اخوان ثالث (م. امید):  
«... در سکوتِ جاودان مدفون شده‌ست  
هرچه غوغا بود و قیل و قال‌ها.  
آب‌ها از آسیا افتاده است  
دارها برچیده، خون‌ها شسته‌اند...»

حوالی ساعت هفت و سی دقیقه‌ی صبح روز ۲۵ ژوئن ۱۸۴۸، شارل -فرانسوا تیبو<sup>۳</sup> نامی، با یک دستگاه عکاسی داگرتیپ از روی بام ساختمانی در خیابان فوبور-دو-تامپل<sup>۴</sup> پاریس دو بار از امتداد این خیابان در حوالی تقاطع خیابان سن مور<sup>۵</sup> عکس می‌گیرد. ۶ بدین ترتیب برای نخستین بار تصاویری از سنگربندی‌های خیابانی در قیام‌های پرتعداد قرن نوزدهم پاریس ثبت می‌شود. این عکس‌ها، به همراه عکس‌سومی که تیبو صبح فردای آن روز (۲۶ ژوئن) از همان نقطه و از همان زاویه می‌گیرد از جهتی دیگر نیز اهمیتی تاریخی دارند. آنها نخستین عکس‌هایی‌اند که در گزارش‌های خبری روزنامه‌ها منتشر شده‌اند. گزارش‌های دو روزنامه‌ی پاریسی از رویدادهای آن روزها نخستین گزارش‌های خبری‌اند که تصاویری واقعی را از صحنه‌ی حوادث موضوع گزارش پیش چشم خوانندگان‌شان می‌گذارند.

آنچه در ادامه می‌آید یادداشت کوتاهی است به قصد معرفی این عکس‌های تاریخی. این معرفی را همراه کرده‌ام با توضیحاتی بسیار اجمالی از زمینه‌ی تاریخی صحنه‌های ثبت‌شده در این عکس‌ها. هدف از این توضیحات صرفاً انعکاس کلی حال‌وهوای لحظاتی است که عکس‌های تیبو آن‌ها را جاودانه کرده است و نه پرداختن به جوانب مختلف و بسیار مناقشه‌آمیز این قیام، ریشه‌ها، و تبعات آن.

\*\*\*

تصویر ۱ و تصویر ۲ دو قطعه عکسی‌اند که شارل -فرانسوا تیبو صبح روز ۲۵ ژوئن ۱۸۴۸ از خیابان فوبور-دو-تامپل در یکی از محلات کارگری شرق پاریس گرفته است. آنچه در این تصاویر ثبت شده، چند سنگر از حدود ۲۵۰ سنگر برپاشده در سرتاسر

<sup>۳</sup> Charles-François Thibault

<sup>۴</sup> Rue du Faubourg-du-Temple

<sup>۵</sup> Rue Saint-Maur

<sup>۶</sup> موقعیت این مکان روی نقشه‌ی گوگل:

<https://goo.gl/maps/pyBs6GVT9vHANPPq9>

بخش‌های شرقی پاریس در روزهای مشهور به ایام ژوئن (۲۲ تا ۲۶ ژوئن ۱۸۴۸) است؛ سنگرهایی که صحنه‌ی اصلی نبرد کارگران پاریسی سرخورده از انقلاب فوریه‌ی ۱۸۴۸ با نیروهای گارد ملی را در قیامی که ویکتور هوگو آن را «بزرگ‌ترین نبرد خیابانی تاریخ» می‌خواند<sup>۷</sup> تشکیل می‌دادند. محلی که این چند سنگر در آن واقع شده اند، در طی دو شبانه‌روز قبل (۲۳ و ۲۴ ژوئن) از خونین‌ترین آوردگاه‌های این نبرد بزرگ بوده است.

### تصویر ۱



(محل نگهداری: موزه‌ی آرسی پاریس)

<sup>۷</sup> ویکتور هوگو، بینوایان، ترجمه‌ی محمدرضا پارسایار، نشر هرمس (۱۳۹۶)، جلد ۲، ص. ۴۹۷.

## تصویر ۲

(محل نگهداری: [موزه‌ی تاریخ پاریس، کارناواله](#))

در این تصاویر خیابان فوبور-دو-تامپل سوت‌و‌کور است و جز چند نفری که به زحمت در سنگرها قابل تشخیص‌اند کس دیگری در خیابان نیست. مشخصاً در حدود مرکز تصویر ۱ مردی را می‌بینیم که پشت سنگر اول در پایین خیابان پنهان شده است. حفاظ چوبی پنجره‌های ساختمان‌ها نیز بسته‌اند. تنها در تصویر ۲ (سمت راست تصویر) می‌توانیم زنی را بینیم با کلاهی سفید که سرش را از پنجره بیرون آورده است و، جالب آن‌که، نه به صحنه‌ی نبرد خونین دو شبانه‌روز قبل بلکه مستقیماً به عکاس نگاه می‌کند. احتمالاً هم عکاس و هم زن می‌دانند که شکست انقلاب کارگری نزدیک است. چند ساعت بعد، نیروهای ژنرال لومور [بسیار](#) مقاومت سرسخت‌ترین کارگرانی را که هنوز دست از مبارزه نکشیده‌اند درهم می‌شکنند و سنگرها را به طور کامل برمی‌چینند.

صبح فردا (۲۶ ژوئن)، که عکاس تصویر سوم را ثبت می‌کند (تصویر ۳) دیگر اثری از سنگرها نیست. برخلاف تصاویر روز قبل، در تصویر ۳ خیابان شلوغ است. مقررات منع رفت‌وآمد لغو شده است و همه چیز حکایت از بازگشت قریب‌الوقوع «زندگی عادی» به خیابان‌های پاریس دارد. قیام ایام ژوئن هم به خیل آن وقایع مهم انقلاب ۱۸۴۸ پیوسته است که مارکس می‌گوید عنوان همه‌ی آنها یک چیز است: «شکست انقلاب!». ۸

### تصویر ۳



(محل نگهداری: موزه‌ی آرسی پاریس)

<sup>۸</sup> کارل مارکس، نبردهای طبقاتی در فرانسه از ۱۸۴۸ تا ۱۸۵۰ (ویراست دوم)، ترجمه‌ی باقر پرهام، نشر مرکز، ۱۳۸۱، ص. ۸.  
این کتاب در کنار دو کتاب دیگر با عنوان‌های هجدهم برومر لوئی بناپارت و جنگ داخلی در فرانسه، ۱۸۷۱ سه‌گانه‌ی مشهور مارکس را در توضیح تحولات سیاسی فرانسه مابین انقلاب ۱۸۴۸ و رویدادها سال ۱۸۷۱ تشکیل می‌دهد. دو کتاب اخیر را نیز باقر پرهام ترجمه و نشر مرکز منتشر کرده است.

درباره‌ی اهمیت تاریخی این سه عکس بسیار نوشته‌اند. البته نه این عکس‌ها نخستین عکس‌هایی‌اند که از فضای باز شهری گرفته شده‌اند،<sup>۹</sup> و نه رویداد و صحنه‌های ثبت‌شده در آن‌ها نخستین در نوع خود بوده است. پاریس قرن نوزدهم را به انقلاب‌ها، قیام‌ها، و شورش‌های پرشمارش می‌شناسند و، دست‌کم تا پیش از آنکه بارون اوسمان، شهردار پاریس، به دستور ناپلئون سوم به نوسازی خیابان‌های پاریس بپردازد، سنگربندی در خیابان‌های باریک محلات کارگری پاریس از مهم‌ترین مشخصه‌های این خیزش‌ها است. [قیام ۵ و ۶ ژوئن ۱۸۳۲](#) یکی از مهم‌ترین این خیزش‌ها است که ویکتور هوگو توصیف حماسی درخشانی از آن را در [بخش چهارم بینوایان](#) به قلم آورده است. و البته مبارزان سنگرهای ژوئیه‌ی ۱۸۴۸ خاطره‌ای بسیار نزدیک‌تر از سنگربندی خیابانی داشتند. چهار ماه پیش از روزهای پرآشوب ثبت‌شده در این تصاویر، این مبارزان با نبرد در سنگرهای شبیه به همین‌ها، لوئی-فیلیپ را مجبور به کناره‌گیری از قدرت و سلطنت را در فرانسه برای همیشه ملغی کرده بودند.

آن‌چه به این عکس‌ها اهمیتی تاریخی می‌دهد یکی این است که آن‌ها نخستین عکس‌های گرفته شده از سنگرهای خیابانی‌اند. به لطف این تصاویر می‌توانیم شاهد صحنه‌ای واقعی از یکی از مهم‌ترین قیام‌های شهری پاریس باشیم. و به لطف تکنیک‌های بازسازی عکس امروزی می‌توانیم درک بهتری از فضای آن رویداد مهم داشته باشیم (تصویر ۴).

---

<sup>۹</sup> ظاهراً نخستین عکس از یک خیابان، [عکسی](#) است که لوئی داگر (مخترع دستگاه داگر‌نوتیپ) از بلوار تامپل (Boulevard du Temple) پاریس یک دهه قبل از تصاویر تیبو گرفته است.

## تصویر ۴



منبع: سایت [مارینا آمارال](#)

علاوه بر این، تصویر ۱ و تصویر ۲ از آن جهت که نخستین عکس‌هایی‌اند که در گزارشی خبری منتشر شده‌اند در تاریخ روزنامه‌نگاری نیز مهم‌اند. در آن زمان البته انتشار مستقیم خود عکس‌ها ممکن نبوده است. اما گراورهای تهیه شده از آن‌ها در شماره‌ی ویژه‌ی ۱-۸ ژوئیه‌ی ۱۹۴۸ مجله‌ی «*L'illustration*» پاریس (تصویر ۵) و به فاصله‌ی کوتاهی در شماره‌ی ویژه‌ی مجله‌ی *Journées illustrées de la Révolution de ۱۸۴۸* (اوت ۱۸۴۸) منتشر می‌شود.<sup>۱۰</sup>

<sup>۱۰</sup> فایل کامل نشریه‌ی اول را از [اینجا](#) و همچنین صفحات مربوطه از نشریه‌ی دوم را از [اینجا](#) می‌توان دریافت کرد.

## تصویر ۵



La barricade de la rue Saint-Maur-Popincourt le dimanche matin, d'après une planche daguerrétypée par M. Thibault.



La barricade de la rue Saint-Maur-Popincourt le lundi après l'attaque, d'après une planche daguerrétypée par M. Thibault.

گزاره‌های منتشرشده از تصویر ۲ و تصویر ۳ در شماره ۱-۸ ژوئیه ۱۸۴۸ روزنامه L'Illustration

درباره‌ی ریشه‌های سرخوردگی کارگران پاریسی از انقلاب فوریه ۱۸۴۸، که به هر حال، علاوه بر برچیدن سلطنت ژوئیه و اعلام جمهوری دوم فرانسه، دستاوردهای مهمی همچون آزادی مطبوعات، آزادی تجمعات، اعطای حق رأی همگانی به مردان، حذف مجازات اعدام برای جرایم سیاسی، و به رسمیت شناختن حق کار داشت، بسیار نوشته‌اند. از جمله‌ی مشهورترین این تحلیل‌ها را در فصل «شکست ژوئن ۱۸۴۸» از اثر مشهور مارکس با عنوان نبردهای طبقاتی در فرانسه از ۱۸۴۸ تا ۱۸۵۰ می‌توان خواند.<sup>۱۱</sup> همچنین گزارش‌های متعددی از جزئیات رخدادهای این چند روز تاریخی

---

<sup>۱۱</sup> ویکتور هوگو نیز در بینوایان پس از آن که در بخش چهارم تصویری حماسی از سنگرهای قیام ژوئن ۱۸۳۲ به دست می‌دهد، در ابتدای بخش پنجم به‌اجمال به تحلیل قیام ژوئن ۱۸۴۸ و مقایسه‌ی آن با قیام ژوئن ۱۸۳۲ می‌پردازد. نگاه هوگو به قیام ۱۸۴۸، بر خلاف قیام ۱۸۳۲ تحسین‌آمیز نیست. او اگرچه



در دسترس است.<sup>۱۲</sup> اجمالاً می‌توان گفت که دلیل اصلی این سرخوردگی ناتوانی حکومت برآمده از انقلاب فوریه در تحقق یکی از مهم‌ترین وعده‌های انقلاب، یعنی سروسامان دادن به اوضاع کار بود. مهم‌ترین اقدام عملی حکومت برای تحقق این وعده تشکیل کارگاه‌های ملی<sup>۱۳</sup> بود. در این کارگاه‌ها، که بودجه‌ی آن از افزایش مالیات زمین‌داران خرد تأمین می‌شد، کارگرانِ مرد و زن به کارهای عمومی روزمزدی با دستمزدی حداقلی گماشته می‌شدند و چنان که برای کارگری در یک روز کاری پیدا نمی‌شد باز هم سهمی از این مبلغ را، گرچه بسیار ناچیز، دریافت می‌کرد. جرقه‌ای که آتش قیامِ ایّامِ ژوئن را برافروخت تصمیم حکومت در ۲۱ ژوئن برای تعطیلی کارگاه‌های ملی بود. گفته شده که از اهداف اصلی پشتِ این تصمیم دور کردن

---

با کارگرانی که در ۱۸۴۸ به خیابان‌ها آمدند و در سنگرها جنگیدند همدل است و انگیزه‌های آن‌ها را تحسین می‌کند، اما این قیام، یا به قول او «شورش شوم»، را محکوم می‌داند چرا که علیه جمهوری بود:

این را هم به‌اجمال بگویم که رویداد ژوئن ۱۸۴۸ چیز دیگری بود و نمی‌توان جایگاه آن را در فلسفه‌ی تاریخ مشخص کرد. هنگامی که از این شورش شگفت‌انگیز سخن می‌گوییم، با آن که در آن شور و شوق مقدسی احساس می‌شد و سخن از مطالبه‌ی حقوق بینوایان بود، در شرح آن باید همه‌ی واژه‌های خوب را کنار بگذاریم. سرکوبی این شورش لازم بود و تکلیف به شمار می‌رفت، زیرا بر ضد جمهوری بود. اما اساساً رویداد ژوئن ۱۸۴۸ چه بود؟ شورش مردم بود علیه مردم. (بینوایان، جلد دوم، ص. ۴۹۹، ترجمه‌ی محمدرضا پارسایار، نشر هرمس، ۱۳۹۶)

<sup>۱۲</sup> از جمله‌ی این گزارش‌ها می‌توان به نوشته‌های فریدریش انگلس در نوبه *رانیشه تسایتونگ* *Neue Rheinische Zeitung* اشاره کرد (شماره‌های ۲۸ و ۲۹ ژوئن و ۱ و ۲ ژوئیه ۱۸۴۸). ترجمه‌ی انگلیسی این گزارش‌ها در جلد ۷ از مجموعه آثار مارکس و انگلس (صص. ۱۳۰-۱۴۹) منتشر شده است. ویکتور هوگو نیز در یادداشت‌های روزانه‌اش، که با عنوان مشاهدات (*Choses Vues*) منتشر شده است، شرحی از مواقع ایّام ژوئن به دست می‌دهد.

«عناصر نامطلوب» از پاریس بوده است. صابون خشمِ پرولتاریای پاریس روز ۱۵ مه ۱۸۴۸ به تن هیأت حاکمه خورده بود. آنها در آن روز، در اعتراض به نتایج انتخابات مجلس مؤسسان ساختمان مجلس را اشغال کردند. اگر چه در پی شورش ۱۵ مه بسیاری از رهبران کارگران بازداشت و تبعید شدند و محدودیت‌های زیادی بر مطبوعات و تجمعات وضع شد، اما حکومت به‌خوبی می‌دانست که این اتفاق قابل تکرار است و صلاح را در این دانست که با تعطیلی کارگاه‌های مَلّی کارگرانِ ناراضی را از پاریس دور کند. مطابق مصوبه‌ی تعطیلی کارگاه‌ها، تصمیم گرفته شد همه‌ی کارگران مرد غیرمتأهل بین ۱۸ و ۲۴ سال تحت پوشش کارگاه‌های مَلّی به ارتش اعزام و مابقی برای کار به شهرستان‌ها فرستاده شوند. این تصمیم به تجمعات گسترده‌ای در روز ۲۲ ژوئن انجامید. در روزهای ۲۳ و ۲۴ ژوئن، با روشن شدن این که حکومت قصد کوتاه‌آمدن از مصوبه‌ی تعطیلی کارگاه‌ها را ندارد، سنگرها بعد از چهار ماه دوباره در پاریس برپا شدند. تصویر ۶ پراکندگی این سنگرها را به نمایش می‌گذارد (حول و حوش محلی را که در عکس‌های تیبو دیده می‌شود در این نقش با کادر قرمز مشخص کرده‌ام).

این سنگرها شاهد نبرد خیابانی تمام عیاری بودند که گفته شده است در خلال آن‌ها به معنای واقعی کلمه جوی خون در بسیاری از خیابان‌های محلات کارگری جاری شد. مقاومت کارگران در سنگرها چنان شدید بود که نیروهای حکومت جز با به توپ‌بستن سنگرها نتوانستند قیام را سرکوب کنند. ظاهراً در پایان روز ۱۲۴ام دیگر از جمعیت عظیم مبارزان کارگری در سنگرها خبری نبوده است و کم‌تر کسی شکی داشته که قیام شکست خورده است. برای تصور آن‌چه در خیابان و سنگرهای تصاویر تیبو در آن دو روز رخ داده است شاید بهترین شرح را بتوان در نامه یکی از فرماندهان گارد مَلّی از نبردهای ۲۳ و ۲۴ ژوئن خواند که انگلس آن را در گزارش‌اش از ایام ژوئن نقل کرده است. این نامه در همان روز ۲۴ ژوئن نوشته شده است و به دفتر روزنامه‌ی نویه راینیشه تسایتونگ ارسال شده است و در آن شرحی به دست داده شده از حوادثی که بخشی از آن‌ها در خیابان فوبور-دو-تامپیل می‌گذرد:

در حالی برایتان می‌نویسم که تفنگ‌ها در خروشانند و توپ‌ها

در غرش. حدود ساعت ۲ بعدازظهر سه سنگر را در ابتدای پل

نوتردام تسخیر کردیم. سپس به سمت خیابان سن مارتین پیش رفتیم و آن را تا انتها طی کردیم. به بلوار که رسیدیم آن را متروک و مثل ساعت ۲ بامداد خلوت یافتیم. از خیابان فوبور-دو-تامپل بالا رفتیم و پیش از رسیدن به سربازخانه متوقف شدیم. دویست قدم جلوتر سنگر عظیمی بود که از سوی سنگرهای دیگر حمایت می‌شد و ۲۰۰۰ نفر از آن دفاع می‌کردند. دو ساعت با آنها مذاکره کردیم، اما حاصلی نداشت. بالاخره توپخانه رسید. ابتدا شورشیان شلیک کردند.

توپ‌ها پاسخ دادند و تا ساعت ۹ غرش آنها شیشه‌ها و آجرها را خرد کرده بود. شلیک‌ها وحشتناک بود. در حالی که غرش‌های سهمگینی شنیده می‌شد جوی‌های خون جاری شده بود. تا جایی که دیده می‌شد سنگفرش‌ها از خون سرخ بودند. مردان من زیر گلوله‌های شورشیان چون شیر از خود دفاع می‌کنند. بیست بار حمله می‌کنیم و بیست بار به عقب رانده می‌شویم. تعداد کشتگان بسیار زیاد و تعداد مجروحان از آن هم بیشتر است. ساعت ۹ با سرنیزه سنگر را می‌گیریم. ساعت ۳ بامداد امروز (۲۴ ژوئن) هنوز بیداریم. توپ‌ها بی‌وقفه در غرش‌اند. پانتئون مرکز [نبرد] است. من در سربازخانه‌ام. از زندانیانی مراقبت می‌کنیم که بی‌وقفه می‌آورندشان. بسیاری از آنها مجروح‌اند. برخی از آنها بلافاصله تیرباران می‌شوند. من ۵۳ نفر از ۱۱۲ نفر افرادم را از دست دادم.

[\(مجموعه آثار مارکس و انگلس، جلد ۷، ص. ۱۳۸\)](#)

شارل-فرانسوا تیبو صبح فردای این روز، که تنها سرسخت‌ترین مبارزان در سنگرها مانده بودند، دوربین عکاسی خود را به سمت خیابان می‌گیرد و دو تصویر نخست را ثبت می‌کند. با این که از هویت او چیز زیادی دانسته نیست، اما بسیاری را گمان این است که هدف او از ثبت این تصاویر، یا شاید مأموریت‌اش، ثبت پیروزی نیروهای «حافظ نظم» و بازگشت «آرامش» به شهر بوده است. کاری که با ثبت تصویر سوم در ۲۶ ژوئن تکمیل می‌شود.

«دارها برچیده خون‌ها شسته‌اند»

## تصویر ۶

نقشه‌ی پراکندگی سنگرهای قیام ایام ژوئن ۱۸۴۸ - بالای نقشه جهت شرق است.



Source gallica.bnf.fr / Bibliothèque nationale de France

منبع: [کتابخانه ملی فرانسه](#)

بنابر گزارش‌های مختلف در این پنج روز تاریخی دست کم ۴۵۰۰ کشته شدند (شامل ۱۵۰۰ سرباز گارد ملی) و بیش از ۱۰ هزار نفر مجروح. همچنین، پس از سرکوب قیام، حدود ۱۵۰۰ نفر بدون محاکمه تیرباران شدند. تعداد زیادی از مبارزان سنگرها

نیز (در کم‌ترین گزارش‌ها، ۴۰۰۰ نفر) بازداشت و به الجزایر تبعید شدند. آمار بالای تلفات از جمله به دلیل استفاده گسترده‌ی نیروهای گارد ملی از توپ برای درهم‌شکستن مقاومت کارگران در سنگرها بوده است. از سوی دیگر، دشواری حمل‌ونقل توپ در خیابان‌های عموماً باریک پاریس از دلایل تلفات بالای نیروهای گارد ملی قلمداد شده است. برخی پژوهشگران را عقیده بر این است که تجربه‌ی سرکوب این قیام از جمله انگیزه‌های ناپلئون سوم برای طرح نوسازی پاریس است، کاری که به دست بارون اوسمان انجام شد و در خلال آن بسیاری از خیابان‌ها تعریض و بلوارهای معروف پاریس ساخته شد. با این کار از یک سو سنگر بستن در عرض خیابان‌ها سخت‌تر شد و از سوی دیگر حمل‌ونقل توپخانه ساده‌تر. البته خوشبختانه خیابانی که در تصاویر تیبو دیدیم تقریباً بدون تغییر باقی مانده است. در تصویر ۷ می‌توان عکسی، گرفته‌شده در سال ۲۰۱۵، از همان مکانی را دید که در عکس‌های تیبو شاهدشان بودیم.

### تصویر ۷

نمایی از محدوده‌ی به تصویر کشیده شده از خیابان فوبور-دو-تامپل در تصاویر ۱-۳ (سال ۲۰۱۵).



منبع: سایت [مارینا آمارال](#)